



## رابطه خشونت و امنیت عمومی

زینت اکبری<sup>۱</sup>

### چکیده

امنیت یکی از مهم ترین و بحث برانگیزترین موضوعات و مفاهیمی است که امروزه در جوامع و گروه های انسانی مطرح شده و مورد توجه قرار گرفته است. همه روزه در مجله ها و رسانه ها صاحب نظران در این مورد به اظهار نظر می پردازند، نظریات و اندیشه های گوناگونی در زمینه چگونگی ایجاد، تقویت و استمرار، زمینه های مؤثر در تقویت و شکل گیری، چگونگی ضعف و اضمحلال و انواع و ابعاد مختلف آن مطرح و منتشر شده است. نکته مورد اتفاق نظر، تعدد و کثرت عوامل تأثیرگذار بر امنیت است. صاحب نظران متفاوتی از قبیل فیلسوفان، سیاستمداران، جامعه شناسان و روان شناسان در خصوص امنیت صحبت کرده و تلاش داشته اند آن را به صورتها و انواع مختلف توصیف، تشریح و تبیین کنند. فیلسوفان معتقدند انسان ها زندگی در یک جامعه امن را به زندگی در یک جامعه پر تنش و ناامن ترجیح می دهند. برخی صاحب نظران مهم ترین وظیفه دولت را ایجاد، حفظ و تداوم و توسعه امنیت می دانند.

**واژگان کلیدی:** خشونت، امنیت، انواع امنیت، خشونت شهری، انواع خشونت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه آزاد

## ۱- تعریف مفهومی امنیت

امنیت، مفهومی چندوجهی داشته و همزاد با مفاهیمی مانند قدرت، تهدید و آسیب است. تعاریف موجود در فرهنگ‌ها، امنیت را احساس آزادی از ترس یا احساس ایمنی که ناظر بر امنیت مادی و روانی است تعریف می‌کنند. ساده‌ترین تعریف یک مفهوم، تعریف آن با مفاهیم متضاد و مخالف آن است. از این جهت امنیت را می‌توانیم به معنی نبود ناامنی و ناامنی را خطر و وجود وحشت و تهدید در جامعه تعریف کنیم.

در تعریف لغوی، امنیت عبارت است از: «محافظة در مقابل خطر، احساس ایمنی و رهایی از تردید» (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۲). در فرهنگ لغات، امنیت به معنای ایمن شدن، در امان بودن و بدون بیم و هراس بودن آمده است؛ به عنوان مثال در فرهنگ معین، امنیت به معنای ایمن شدن، در امان بودن و بی‌بیمی تعریف شده است (معین، ۱۳۶۳: ۳۵۲) در مجموع می‌توان مفهوم «امنیت» را به مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت و در مورد افراد، به نبود هراس و بیم نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع و به مخاطره نیفتادن این حقوق و آزادی‌ها و مصون بودن از تهدید و خطر مرگ، بیماری، فقر و حوادث غیرمترقبه و در کل هر عاملی که آرامش انسان را از بین ببرد؛ تعریف کرد. (Wyn Jones, 1999: 102)

## ۲- اهمیت امنیت

در احادیث و آیات مختلف قرآن کریم نیز به بحث امنیت اشاره شده است. برای نمونه خداوند در سوره قریش اشاره دارد برای اینکه قریش با هم انس و الفت گیرند، الفتی که در سفرهای زمستان و تابستان ثابت و برقرار بماند، باید خدای یگانه را بپرسند که به هنگام گرسنگی طعام داد و از ترس و خطر ایشان را ایمن ساخت. در آیه ۲۶ سوره انفال آمده است: «به یاد آرید روزگاری را که گروه اندک بودید و در زمین به استضعاف کشانده شده بودید و از اینکه مردمان شما را ربوده و آزار دهند در ترس و وحشت به سر می‌بردید، سپس خداوند پناهتان داد و با نصرت خود، یاریتان کرد و از پاکیزه‌ها روزیتان ساخت، شاید سپاسگزار باشید».

در قرآن کریم در وصف شهر مکه، امنیت به عنوان یکی از ویژگی های مهم این شهر ذکر شده و به طرق مختلف این ویژگی مورد توجه قرار گرفته است. برای نمونه سوره تین آیات ۱ تا ۳، سوره عنکبوت آیه ۶۷، سوره قصص آیه ۵۷، سوره ابراهیم آیه ۳۷ و سوره بقره آیه ۱۲۵ و ۱۲۶ را می توان نام برد (میرزمانی، ۱۳۸۴: ۲۰۱).

جامعه بدون نظم اجتماعی فاقد امنیت است و فقدان امنیت حاکی از عدم وجود نظام اجتماعی سامان یافته و مقتدر و مسلط بر اوضاع است. فقدان امنیت باعث هدر رفتن نیروهای سازنده ای می شود که باید در زمینه های مختلف رشد و توسعه فعال باشند. امنیت به رغم آنکه پدیده ای اجتماعی و حقوقی است، یک احساس درونی از مقوله معرفت است و انسان را به آینده و شرایطی که برای او به وجود خواهد آمد و استفاده از آنچه هست برای دسترسی به آینده مطلوب متوجه می کند. جامعه ای توسعه یافته است که با تأمین امنیت فردی و اجتماعی، زمینه ایجاد رابطه بین دو افق آینده و گذشته خود را فراهم کند و الا رشد و توسعه واقعی امکان پذیر نیست و دستخوش امیال افراد می شود. از سوی دیگر، احساس ناامنی، پویایی، تحرک و انگیزه، انسان را در جهت پیشرفت تحت شعاع خود قرار می دهد و بسیاری از قابلیت های انسان را به هدر می دهد.

### ۳- انواع امنیت

امنیت از لحاظ سطوح مختلف به امنیت عمومی، فردی، گروهی، ملی و بین المللی، داخلی و خارجی تقسیم شده و ابعاد متنوعی همچون معنوی، فردی، اجتماعی، سیاسی، نظامی، اقتصادی، حقوقی، فرهنگی و غیره را شامل می شود. این دسته بندی ها از لحاظ مفهومی و نظری بسیار نزدیک و شبیه به هم هستند. به عبارت دیگر، هر یک از این ابعاد، امنیت را از جنبه و رویکرد خاصی و تعریف می کند. در ادامه تلاش خواهد شد تعریف مختصری از هر یک از این ابعاد امنیت ارائه شود.

### ۳-۱ امنیت فردی

« امنیت فردی » آرامش و آسایشی است که فرد بدون در نظر گرفتن امکانات جامعه و دولت برای خود فراهم می کند ( رابینگتن و واینبرگ، ۱۳۸۶ : ۵۶). به عبارت دیگر، امنیت فردی، عبارت است از: حالتی که جسم و روح فرد، در آن فارغ از ترس و آسیب به جان، مال و یا آبروی خود و یا از دست دادن آنها زندگی کند.

### ۳-۲. امنیت عمومی

به شرایط عاری از خطر و تهدید برای عموم مردم جامعه اطلاق می شود. در واقع امنیت عمومی وضعیتی است که هیچ گونه تهدید و خطری متوجه مال و جان، هستی و حیات افراد نباشد. به عبارت دیگر، یک محیط عاری از خطر، دارای امنیت عمومی است و هر محیط و جامعه ای که انحراف و آسیبی، جان و مال و هستی افراد را مورد تهدید و تعرض قرار دهد، فاقد امنیت عمومی است. این سطح ناظر بر تولید شرایطی است که در آن منافع، مصالح و حقوق افراد، گروه‌ها و نهادهای اجتماعی تأمین می شود.

### ۳-۳. امنیت ملی

آرنولد والفرز، امنیت ملی را به معنای فقدان ترس از به خطر افتادن ارزش های حیاتی می داند. امنیت ملی نتیجه وجود نظم عمومی است. به گفته « پن لوپ » امنیت ملی به معنای توانایی یک ملت برای پیگیری موفقیت آمیز منافع ملی خود در هر جای دنیا به همان نحوی است که خودش آن را می بیند. این سطح از یک سو شرایط تأمین و حفظ موجودیت نظام در درون و بیرون مرزها و از سوی دیگر به توانایی های نظام در محیط درونی و پیرامونی توجه دارد.

### ۳-۴ امنیت سیاسی

امنیت سیاسی، به معنای تأمین آرامش و طمأنینه لازم توسط حاکمیت یک کشور برای شهروندان قلمرو خویش، از راه مقابله با تهدیدات مختلف خارجی و همچنین تضمین حقوق سیاسی آنان در

مشارکت، جهت تعیین سرنوشت اجتماعی و سیاسی خویش است. نظام سیاسی در راستای امکان بخشی و تسهیل مشارکت و دخالت مردم در تعیین سرنوشت خود و جامعه باید امنیت و حضور آزادانه و برابر شهروندان را فراهم آورده و هیچ کس را به داشتن باور سیاسی خاصی وادار یا بازداشت نکند (افتخاری، ۱۳۸۱: ۶۷).

### ۳-۵ امنیت داخلی

گاه امنیت عمومی به عنوان امنیت داخلی نیز گفته می شود. امنیت داخلی به شرایط و وضعیت عاری از هرگونه تهدید و خطری برای افراد، و شهروندان یک کشور اطلاق می شود. از نگاه دیگر، امنیت داخلی را وضعیت و شرایطی می دانند که افراد، گروه ها، نهادها، سازمان ها، مؤسسات و... یک جامعه با تهدید و خطری که موجودیت و هستی آنها را با خطر روبه رو کند مواجه نباشند.

### ۳-۶ امنیت خارجی

امنیت خارجی به معنی فقدان تهدیدات خارجی برای یک نظام و کشور و یا حکومت و یا جامعه است. این سطح امنیت، ناظر بر فراهم سازی بستر مناسب برای حفظ امنیت خارجی حاکمیت است (همان).

### ۳-۷ امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی عبارت است از: « آرامش و آسودگی خاطری که جامعه و نظام سیاسی برای اعضای خود ایجاد می کند (رابینگتن و واینبرگ، پیشین) به طور کلی «امنیت اجتماعی» به قلمروهایی از حفظ حریم فرد مربوط می شود که به نحوی در ارتباط با دیگر افراد جامعه بوده و به نظام سیاسی و دولت مربوط می شوند. این قلمروها می توانند زبان، نژاد، قومیت، اعتبار، نقش اجتماعی، کار، درآمد، رفاه، مشارکت سیاسی، آزادی، اعتقاد و... باشند.

#### ۴- رابطه امنیت عمومی با امنیت اجتماعی

امنیت عمومی هم رابطه مستقیم و معناداری با امنیت اجتماعی دارد. امنیت عمومی زیربنا و شرط اولیه ایجاد امنیت اجتماعی است. به عبارت دیگر، امنیت عمومی امنیت اولیه و امنیت اجتماعی امنیت ثانویه است. امنیت عمومی شرایطی است که جان و مال افراد از تعرض و آسیب در امان باشد. امنیت اجتماعی به شرایطی اطلاق می شود که منظور از امنیت اجتماعی، آرامش و آسودگی خاطری است که جامعه برای اعضای خود ایجاد می کند و از وظایف و اهداف هر جامعه محسوب می شود. تا امنیت عمومی یعنی امنیت جان و مال افراد وجود نداشته باشد و مردم دغدغه حفظ جان و مال خود را نداشته باشند، امنیت اجتماعی ایجاد نمی شود. امنیت اجتماعی دارای ابعاد مختلفی است که عبارتند از: امنیت اقتصادی، امنیت شغلی، امنیت سیاسی، امنیت قضایی و امنیت اداری. امنیت قضایی بدان معناست که مردم اعتماد و اطمینان برای عدم تعرض به حقوق شرعی و قانونی خود در جامعه داشته باشند و حکومت را به عنوان پشتوانه ای تلقی کنند که در واقع لزوم بتواند به عوامل ایجادکننده ناامنی پاسخ داده و آنها را به موجب تعرضی که داشته اند، محاکمه کند.

#### ۵- نظریات امنیت

در خصوص امنیت و اینکه امنیت چگونه ایجاد و استقرار می یابد دو دسته دیدگاه و نظریه وجود دارد:

##### دیدگاه سنتی

در دیدگاه سنتی امنیت صرفاً به معنای حصول شرایط فردی، گروهی و اجتماعی است که عاری از خشونت و پرخاشگری باشد. بنابراین در این دیدگاه بر عدم کاربرد خشونت با استفاده از ابزار نظامی تأکید شده است. شاخصه بارز تحلیلگران این دیدگاه، تأکید بر روی بعد نظامی در مقام تحلیل وضعیت امنیتی است. تلاش در بالا بردن توان نظامی برای مقابله و سوکوب دشمنان، راهبردی است که صاحب نظران این رویکرد معتقدند، برای ایجاد و توسعه و حفظ امنیت باید انجام داد ( کاشانی،

۱۲۵:۱۳۸۴

.

آنها معتقدند: میزان جرائم و آسیب های یک منطقه بهترین معیار و مصداق ناامنی است. هر قدر نهادهای کنترلی و انتظامی قوی تر، با اقتدارتر و مستحکم تر باشند، میزان جرائم و آسیبها در شهرها و مناطق کمتر و در نتیجه امنیت بیشتر خواهد بود. به زمامداران توصیه می شود، برای افزایش ضریب امنیتی قلمروی خود، در تجهیز و تقویت ساز و برگ دفاعی و نظامی در بالا بردن توان دفاعی شان کوشا باشند.

مزایای این رویکرد را می توان چنین برشمرد: ۱. ایجاد امنیت بر مبنای دیدگاه سنتی نیاز به برنامه ریزی بلندمدت ندارد و می توان آن را در فرصت کمی ایجاد کرد. ۲. تحصیل، استقرار و توسعه امنیت از این راه بسیار آسان است، چرا که این امنیت یک امنیت سخت افزاری است و با تهیه لوازم و امکانات به سرعت تهیه می شود. برای مثال جهت ایجاد امنیت در یک منطقه، کافی است نیروهای پلیس در مراکز عمومی قرار داد تا در مدت کوتاهی به مقصود رسید. ۳. این نوع امنیت چه برای ایجاد و یا تداوم و چه برای برقراری امنیت، نیاز به افراد متخصص و آموزش دیده ندارد. ۴. این نوع امنیت معمولاً یک بعدی است، یعنی توسط یک دستگاه و یا سازمان انجام می گیرد، از این رو نیاز بالایی به هماهنگی های سازمانی و دستگاهی ندارد.

مزایای رویکرد سنتی

۱- نیاز به برنامه ریزی بلندمدت ندارد و می توان آن را در فرصت کمی ایجاد کرد. ۲- تحصیل، استقرار و توسعه امنیت از این راه بسیار آسان است، ۳- انیاز به افراد متخصص و آموزش دیده ندارد. ۴- این نوع امنیت معمولاً یک بعدی است، یعنی توسط یک دستگاه و یا سازمان انجام می گیرد.

معایب این رویکرد عبارتند از:

۱- آسیب پذیری امنیت مبتنی بر نیروی نظامی که به محض کاهش میزان اثرگذاری عوامل ایجادکننده، بنیاد امنیت موجود در هم خواهد ریخت. ۲- رقابتی بودن این امنیت؛ به زبان ساده این امنیت نوعی رقابت میان ایجادکنندگان امنیت و امنیت شکنان ایجاد خواهد کرد. برای حفظ امنیت، دستگاهها و سازمان های مسئول باید دائماً خود را برتر و جلوتر از قانون شکنان قرار دهند. هر امکانات و تجهیزاتی که قانون شکنان به دست بیاورند ایجادکنندگان امنیت باید بهتر از آن را داشته

باشند. ۳- این نوع امنیت سطحی بوده و عاملان آن اصلاً توجهی به عوامل ریشه ای و بنیادی امنیت ندارد.

### دیدگاه مدرن

در پی نقد جدی آثار سنت گرایان و طرح این ادعا که بعد نظامی، توان تحلیل همه جانبه مسائل امنیتی جهان معاصر را ندارد، تحولی تازه در رویکردهای امنیتی به وجود می آید که باور اصلی آن را، تعدد ابعاد امنیت شکل می دهد. در این دیدگاه، هر نوع عدم تأمین اجتماعی و هر نوع ضعف مصونیت انسان در برابر آسیب های اجتماعی و حتی آسیب های جسمی و بیماری ها می تواند زمینه ساز ناامنی باشد.

در دیدگاه سنتی، امنیت مقوله ای محدود، محدود، طبقه ای، جسمی، ابزارمند و ناپایدار است. اما در دیدگاه نوین امنیت مقوله ای وسیع، نامعین، غیرانحصاری، عقلانی، هدفمند و پایدار بوده و هویت، احساسات و عواطف فردی و گروهی، عقاید، تمایلات و آرزوها، موقعیت های شغلی و اقتصادی، باورهای فرهنگی و ساختارهای رسمی و حتی وسایل نیل به رفاه و آسایش زندگی اجتماعی مردم و از همه مهم تر مقوله تربیت و نهادهای تربیتی را در بر می گیرد. در این دیدگاه امنیت صرفاً معطوف به جرائم و آسیب ها نبوده، بلکه هر آنچه زمینه انحراف و جرم را ایجاد کند، می تواند امنیتی باشد. این دیدگاه معتقد است: امنیت حاصل عملکرد و فعالیت حوزه های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، دینی و اقتصادی است. در صورتی که اگر این حوزه ها و سازمان ها و نهادها به خوبی نتوانند وظایف و عملکردهای خود را در جامعه انجام دهند، امنیت جامعه دچار تغییر و ضعف خواهد شد. اگر نهادهای اقتصادی نتوانند میزان تورم و اشتغال را در جامعه کنترل کنند، جامعه با مسئله گرانی و بیکاری روبه رو خواهد شد. بیکاری زمینه فقر و ناراحتی های روحی و روانی را در جامعه ایجاد می کند. فقر زمینه ارتکاب جرائم، همانند دزدی و سرقت، اعتیاد و قاچاق مواد مخدر، خشونت ها و تخریب گرایی ها را در جامعه بالا می برد. از این رو ضعف یک نهاد اقتصادی، موجب از بین رفتن امنیت در جامعه می گردد.



## ۶- احساس امنیت

آنچه از امنیت اهمیت بیشتری دارد، احساس امنیت است. احساس امنیت از جمله مفاهیم پیچیده ای است که ارائه تعریفی واحد از آن به سادگی میسر نیست. امنیت پیش از آنکه مقوله ای قابل تعریف باشد، پدیده ای ادراکی و احساسی است؛ یعنی این اطمینان باید در ذهن آحاد مردم، دولتمردان و تصمیم گیران به وجود آید که آیا برای ادامه زندگی بدون دغدغه، امنیت لازم وجود دارد یا نه.

بعد ذهنی امنیت به « احساس امنیت » مربوط می شود. وجود امنیت در یک جامعه به همان اندازه از اهمیت و حساسیت برخوردار است که احساس روانی مردم از میزان وجود یا عدم وجود جرم و ناهنجاری در آن جامعه مطرح می شود. هر مقدار فراوانی جرم بالاتر باشد، احساس امنیت پایین تر است. اگرچه باید توجه داشت که این احساس ناامنی صرفاً منبعت از عدم وجود امنیت یک جامعه نخواهد بود. ممکن است در یک جامعه، ابزارها و لوازم امنیت وجود داشته باشد، اما افراد آن جامعه، احساس امنیت نکنند و بالعکس. « واقعیت احساس ناامنی، ساختاری است که به خشونت های شهری و دامنه، شکل و نوع بزهکاری ها پیکر ه اجتماع را متزلزل می کند، بستگی دارد ( گلیزال، ۱۳۷۶: ۳۳).

احساس امنیت، بستر مناسبی برای تحقق امنیت عینی در جامعه است. در جامعه ای که میزان جرائم پایین باشد، ولی مردم ترس از این داشته باشند که مال و جانشان در معرض تهدید و خطر قرار دارد و خانواده خود را باید با انواع و اقسام سیستم های امنیتی همانند دزدگیرها، درها و قفل های امنیتی، محافظین شخصی و... تجهیز کنند، این جامعه هرچند که حاکمان و مسئولان آن بگویند، امنیت وجود دارد یک جامعه ناامن است. از سوی دیگر در جامعه ای که میزان جرائم بالا باشد، اما مردم و شهروندان آن اطمینان از این دارند که از سوی دولت و سیستم های پلیسی و قضایی مورد حمایت قرار می گیرند؛ این احساس اطمینان و آرامش آن جامعه را امن نشان می دهد.

## ۷- تأمین کننده امنیت عمومی

به طور کلی حکومت و جامعه هر دو در تأمین امنیت عمومی دخالت می‌کنند. حاکمیت به معنای نهادهای قدرت رسمی و جامعه به عنوان مردم و نخبگان و سازمان‌های غیررسمی، هر یک می‌توانند بخش‌هایی از ساخت امنیت عمومی را برعهده بگیرند. در برخی کشورها وزارت یا اداره امنیت عمومی، نهاد مشخصی است که مسئولیت این بخش را برعهده دارد. اما نقش پلیس و نهادهای برقرار کننده امنیت کاملاً منحصر به فرد است. این امر به علت خودنمایی مهم ترین تهدیدات امنیت عمومی در اشکال مجرمانه است و مقابله با این تهدیدات نیازمند نهادهای متناسب با آن می‌باشد. البته، برخورد پیشگیرانه و تمهیدات ایجابی برای برقراری امنیت عمومی مستلزم ورود نهادهای فرهنگی - اجتماعی همچون خانواده، رسانه، مدرسه و نهادهای مشابه است اما به نظر می‌رسد اولاً نقش مقابله با تهدیدات با برخوردهای سلبی در امنیت عمومی بسیار جدی و مهم است و ثانیاً حتی در وجه ایجابی و پیشگیرانه نیز دخالت پلیس و دستگاه عدالت کیفری ضروری می‌باشد بنابراین، در این الگو پلیس و نهادهای تأمین عدالت دو کار کرد سلبی و ایجابی خواهد داشت.

کارویژه‌های پلیس در کشورهای مختلف یکسان نیست و حتی در برخی از آنها وظیفه اصلی پلیس را حفاظت از رژیم سیاسی میدانند در حالی که در الگوی پیشین تأمین امنیت عموم بر عهده پلیس قرار می‌گیرد. پلیس در کنار برخورد و مقابله با تهدیدات، در اقدامات پیشگیرانه دخالت جدی‌تر دارد. به همین دلیل، در کنار برخورد با جرایم و کشف آنها، کاهش و پیشگیری از جرایم، مدیریت زندانها، مدیریت و نظارت بر ترافیک، جلوگیری از آتش سوزی، مدیریت مراکز بازپروری، کنترل آشوبها و تظاهرات، مقابله با رفتارهای مخاطره آمیز اجتماعی، نظارت بر تجارت‌های خاص و موضوعات خطرناک، تهدیدات بهداشت عمومی و مرزبانی کم و بیش در حوزه وظایف نهادهای امنیت عمومی قرار می‌گیرد. معمولاً اقدامات و برنامه‌های معطوف به احساس امنیت را متناسب با نقش آفرینان کلیدی آنها به سه دسته تقسیم می‌کنند: اقدامات مربوط به پلیس، اقدامات مربوط به

سایر دستگاه‌های دولتی مرتبط با امنیت عمومی مانند قوه قضائیه و اقدامات مردمی (حسینی، ۱۳۸۶: ۶۵).

الف) اقدامات مربوط به پلیس: پژوهش‌ها نشان داده اند مردمی که معتقدند پلیس محل زندگی آنها خوب کار می‌کند و به آن اعتماد دارند، کمتر احساس ناامنی می‌کنند.

ب) اقدامات مربوط به سایر دستگاه‌های دولتی: به دلیل پیچیدگی و چندبعدی بودن پدیده امنیت عمومی، علاوه بر دستگاه پلیس که بیشترین تعامل مستقیم را با این موضوع دارد، سایر دستگاه‌های دولتی نیز کمابیش با آن مرتبط هستند. با این حال اقدامات و برنامه‌های معدودی را می‌توان مثال زد که در احساس امنیت مؤثر باشند از جمله نوع موضع‌گیری مقامات دولتی در برابر جرم و ناامنی، نوع قوانین و مقرراتی که برای برخورد با ناامنی در مجلس یا سایر دستگاه‌ها تصویب و اعلام شود و ....

ج) مشارکت شهروندان در ایجاد امنیت: بخش مهمی از پدیده پلیس جامعه محور معطوف به دخالت دادن شهروندان در برقراری امنیت است از جمله آنها که با هدف افزایش امنیت اجرا شده است می‌توان به برنامه کورت اشاره کرد که به منظور ایجاد سازمان‌های اجتماعی در محلات، دستخوش ناامنی در شهر هوستن اجرا شد. هدف این برنامه ایجاد حس اجتماعی در منطقه و همکاری گروهی از ساکنان منطقه با پلیس منطقه در جهت حل و فصل مشکلات و ایجاد نظم در منطقه می‌باشد.

#### ۸- تعریف خشونت

خشونت را می‌توان «اعمال یک نیروی فیزیکی بر یک شیء یا یک فرد یا یک گروه اجتماعی که به قصد یا بدون قصد سبب زیان یا تخریب دیگری شود»، تعریف کرد. در این تعریف بعد روانی - روحی خشونت نادیده گرفته شده و خشونت از لحظه شروع یک عمل فیزیکی مورد توجه بوده است. اما نه فقط این عمل می‌تواند نوعی فشار و تهدید روانی و به همان اندازه و شاید بیشتر مخرب باشد، بلکه وجود پتانسیل خشونت نیز به نوبه خود می‌تواند به صورت یک فشار روحی خشونت‌برانگیز عمل کند. باز در ساده‌ترین تعریف می‌توان گفت: «خشونت عبارت است از اعمال نوعی آسیب یا انسداد به دیگری از طریق کشتن یا ایجاد صدمات روحی». بعضی از متفکران بر این باورند که

می‌توان این مفهوم را تا حوزه «تهدید» هم تعمیم و تسری داد، یعنی اگر کسی به خشونت تهدید شد، مثلاً تهدید به مرگ، یا به ایجاد صدمات جسمی و روحی، هم شاید مشمول عنوان خشونت باشد.

تفاوت اساسی میان رفتارهای غیر مدنی و جرم وجود دارد، چرا که جرم در نتیجه نقض قانون اتفاق می‌افتد و مطابق قانون، هیچ امری را نمی‌توان جرم دانست مگر آن که به موجب قانون برای آن مجازات یا اقدامات تامینی و تربیتی تعیین شده باشد (نوربها، ۱۳۸۴: ۱۳۸ )

خشونت در ادبیات علوم اجتماعی و حقوقی معانی متفاوتی دارد؛ چنان‌چه فکوهی خشونت را اعمال یک نیروی فیزیکی بر یک شی یا فرد یا گروه اجتماعی تعریف می‌کند (فکوهی ۱۳۸۶ : ۲۷۶ ) و گزارش کمیته تحقیق در امر خشونت و بزهکاری به سرپرستی آلن پرفیت مفهومی از خشونت را مد نظر قرار داده که «هرگونه حمله غیر قانونی به آزادی‌هایی که جامعه رسماً با ضمناً برای افراد خود قائل گردیده است را در بر می‌گیرد» (پرفیت، ۱۳۷۸: ۲۹)، اعزازی ضمن اشاره به تحول مفهومی خشونت، چهار نوع خشونت تعریف می‌کند: خشونت بدنی، خشونت روانی مانند تحقیر و دشنام، خشونت اقتصادی و خشونت اجتماعی (اعزازی، ۱۳۸۳: ۹۶-۱۲۰).

## ۹- مشخصات خشونت‌های شهری

۱- نخستین خصوصیت خشونت شهری را باید در فراوانی نسبی آن نسبت به خشونت‌های روستایی دانست.

۲- دومین خصوصیت خشونت شهری، شدت این خشونت است که به ویژه در قالب خشونت خانوادگی، فیزیکی، جنسی و غیرفیزیکی علیه زنان و کودکان به دلیل وجود اشکال بیمارگونه نظیر الکلیسم و اعتیاد مشاهده می‌شود. در روستاها به دلیل وجود شبکه‌های دوستان و همسایگان گرایشهای بیمارگونه بسیار زودتر کنترل و مهار می‌شوند و بدین ترتیب می‌توان از وقوع خشونت جلوگیری کرد، در حالیکه در شهرها نبود یا کمبود همبستگی‌های فردی امکان خشونت را افزایش می‌دهد.

۳- سومین خشونت شهری در تبلور آن به ویژه در پدیده خشونت خیابانی است. منظور از این نوع خشونت، اعمال عموماً مخرب و جنایتکار دسته‌های بزهکار خیابانی یا گنگ‌هاست که شامل اعمالی مانند دزدی، تخریب اموال عمومی، شعارنویسی، سرقت‌های کوچک، آزار رساندن به مردم و ... می‌شوند. این پدیده هر چند امروز تا اندازه‌ای کنترل شده اما هنوز هم یکی از مهمترین معضلات شهرهای بزرگ و شکل غالب و اصلی تبلور خشونت‌های شهری به حساب می‌آید. گنگ‌ها یا دسته‌های بزهکار شهری عموماً متشکل از گروه‌های دوستان جوان یا نوجوان مرکز هستند که گرد هم آمدنشان به آنها نوعی هویت گروهی می‌دهد. گنگ‌ها در واقع نوعی نبود یا ضعف هویت‌ها و تعلق‌های خانوادگی را جبران می‌کنند. گنگ‌ها دارای جنبه آموزشی (البته اغلب در مهارت‌های منفی و مخرب) هستند. آنها همچنین دارای پهنه‌های جغرافیایی خاصی هستند که از آنها حفاظت می‌کنند و هرگونه تمایل دسته‌های دیگر به ورود به حریم خود را با خشونت مانع می‌شوند. گنگ‌ها عموماً دارای رهبر هستند. پسران جوان با علاقه‌مندی به این گونه گنگ‌ها وارد می‌شوند، زیرا آنها همانگونه که گفته شد احساس تعلق یافتن به یک «خانواده واقعی» و «قدرتمند» را القا می‌کنند. مطالعات اجتماعی متعددی نشان داده‌اند که ورود و باقی ماندن در گنگ‌ها به دلیل مشکلات اجتماعی و فرهنگی است.

نوجوانانی که دارای خانواده‌های از هم پاشیده و فقرزده بوده‌اند و اغلب خود قربانی خشونت‌های درون خانوادگی و تحقیر اجتماعی هستند، چهره مثبتی را در فروشندگان خرده‌پای مواد مخدر در چارچوب گنگ‌ها می‌بینند، چون نمی‌توانند با خانواده و اجتماع روابطی انسانی‌تر و دوستانه برقرار کنند و مورد احترام قرار گیرند. ورود به گنگ و شرکت در توزیع مواد مخدر همچنین راهی سریع برای به دست آوردن پول و تأمین نیازهای ارضا نشده این دسته از نوجوانان است.

#### ۱۰- شکل‌های خشونت شهری

شکل‌های خشونت شهری را می‌توان به سه شاخه زیر تقسیم کرد :

۱- خشونت‌های فردی یا گروهی سازمان نیافته: شامل فشارها و خشونت در محل کار، محل تحصیل، جنایتها، شورشهای خودانگیخته، خرابکاری‌ها و تخریب اموال عمومی است. این گونه

خشونت به چند صورت در شهرهای مدرن در سالهای اخیر تشدید شده است. نخست به صورت بزهکارهایی کوچک از جمله کیف‌زنی، سرقت خودرو، ضرب و شتم مهاجران، اقلیت‌ها و زنان؛ سپس در قالب خشونت در محیط‌های تحصیلی مانند نزاع‌های میان دانش‌آموزان، تهدید و ضرب و شتم معلمان، اخاذی و دزدی و سرانجام خشونت در قالب شورش‌های شهری که عموماً خود را به صورت حمله، غارت و به آتش کشیدن نمادهای قدرت یا ثروت نشان می‌دهد.

**۲- خشونتهای گروهی یا سازمان‌یافته:** که عمدتاً به صورت شکل‌گیری گنگهای بزهکار و یا دسته‌های کوچک و بزرگ مافیایی خود را نشان می‌دهند و همان‌گونه که نشان داده است، امروزه در قالب یک نظام جهانی جنایت سازمان یافته تبلور یافته‌اند که محل اصلی اقداماتشان شهرها هستند. مهمترین اعمال این گروه‌ها شامل قتل و ترور، قاچاق و توزیع انواع موادمخدر، فحشا و پورنوگرافی، تولید و توزیع کالاهای تقلبی، فروش قاچاق و اسلحه، تجارت اندامهای انسانی، برده‌فروشی جدید، عملیات مختلف «پولشویی» و ... است.

**۳- خشونت خانوادگی:** این نوع خشونت عمدتاً خشونت علیه زنان و کودکان را شامل می‌شود و می‌توان گفت در چند دهه اخیر در گروهی از خشونت‌ها همچون خشونت‌ها و سوءاستفاده‌های جنسی تقویت شده و ابعاد نگران‌کننده‌ای یافته است. همچنین مشارکت خانواده‌ها در فروش اعضای خود (عمدتاً کودکان) به شبکه‌های مافیایی، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، مشاهده می‌شود.

**۱۱- محیط‌های خشونت شهری:** گروهی از محیط‌های شهری بستری مناسب برای اعمال خشونت به وجود می‌آورند. بنابراین، می‌توان به توصیف و تحلیل درون هر یک از آنها پرداخت که هر بار سازوکارها و بازیگران متفاوتی را نشان می‌دهند.

**۱- محیط خانوادگی:** یکی از محلهایی که بیشترین خشونت‌ها درون آنها اتفاق می‌افتد، محیط خانواده است. این خشونت عموماً از پدر خانواده نشأت گرفته و علیه زن و فرزندان اعمال می‌شود. زنان بیشترین تعداد قربانیان در این گونه خشونت را تشکیل می‌دهند. اما خشونت می‌تواند همچنین از سوی زن علیه فرزندان و یا میان خود فرزندان و عموماً به وسیله برادران بزرگ‌تر علیه فرزندان کوچک‌تر و یا علیه خواهران انجام بگیرد. عوامل بیمارگونه ناشی از زندگی شهری یا تقویت شده در

محیط شهری (نظیر فقر، بیکاری، افسردگی و اضطراب و اعتیاد به موادمخدر یا الکل) از دلایل عمده این نوع خشونت هستند.

**۲- محیط‌های تحصیلی:** دو نوع خشونت رایج در مدارس به چشم می‌خورد: نخست خشونت‌های که مسئولان عموماً در قالب‌های هنجاری، یعنی قوانین انضباطی، علیه دانش‌آموزان به کار می‌گیرند. این نوع از خشونت زیر فشار قوانین مدنی در سال‌های اخیر بسیار کاهش یافته است. دوم، خشونت در میان خود دانش‌آموزان و یا به وسیله دانش‌آموزان علیه کارکنان مدارس که در سال‌های اخیر افزایش یافته است. همچنین می‌توان از نوع خشونت بیرونی نیز سخن گفت؛ به طوری که حمله‌های مسلحانه و کشتار دانش‌آموزان به وسیله دانش‌آموزان سابق و یا افراد بیمار و افسرده، به حوادثی رایج در برخی از کشورها بدل شده است.

**۳- محیط کاری:** در این حوزه نیز دو نوع خشونت دیده می‌شود: نخست خشونت کارفرمایان علیه کارکنان که در کشورهای توسعه یافته به دلیل رشد سندیکالیسم تا اندازه زیادی از میان رفته است. با وجود این، نوع خاصی از این خشونت که فشارهای جنسی کارفرمایان بر زنان کارگر و کارمند است در حال افزایش است. در کشورهای جهان سوم و در حال توسعه هر دو شکل خشونت کارفرمایان علیه کارگران، به دلیل نبود یا کمبود آزادی و سندیکالیسم بسیار رایج است. دومین نوع خشونت در محیط‌های کاری، اعمال خشونت کارکنان علیه یکدیگر است که عموماً در قالب گروه‌های فشار و فساد گاه حتی در شکل شبکه‌های مافیایی کوچک و بزرگ به چشم می‌خورد.

**۴- محیط‌های نظامی:** یکی از محیط‌هایی که بستری مناسب برای رشد خشونت ایجاد می‌کند، پادگان‌های نظامی هستند که عموماً محیط‌های با نظم و سخت‌گیری بسیار زیاداند و شکل خشونت در آنها نهادینه و از بالاست.

این نوع از خشونت عمدتاً به شکل فشار روحی و روانی است؛ اما به کرات سبب ضایعاتی چون خودکشی می‌شود. علاوه بر این نوعی خشونت پنهان نیز میان افراد در رده‌های پایین وجود دارد که کمتر می‌تواند شکل آشکار به خود بگیرد، اما ضایعات آن نیز سنگین است.

**۵- محیط‌های تنبیهی:** زندانها و اردوگاه‌ها همواره به دلیل منشأ و ذات تنبیهی خود از مراکزی بوده‌اند که بیشترین میزان خشونت را درون خود متمرکز کرده‌اند، اعمال خشونت از سوی مسئولان علیه زندانیان هنوز امری رایج در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به حساب می‌آید. واکنش نسبت به این اعمال به صورت شورشهای خشونت‌آمیز و گاه در قالب اعتراض‌های مسالمت‌آمیز نظیر اعتصاب غذا و غیره مشاهده می‌شود. خشونت میان زندانیان نیز پدیده‌ای بسیار رایج است. شبکه‌های فساد، توزیع مواد مخدر و سوء استفاده جنسی در زندانها از آنها محیط‌هایی وحشت‌بار ساخته است که نام «مدرسه جنایت» را مدت‌هاست به عنوانی رایج برای آنها بدل کرده است. زندانهای آمریکا از این لحاظ رکورددار تمام جهان به حساب می‌آیند.

**۶- محیط‌های خیابانی:** وجود نقاط و پهنه‌های جغرافیایی «ناامن» و «خطرناک» رابطه‌ای مستقیم میان فضای شهری با پدیده خشونت نشان می‌دهد. تقسیم‌بندی پیچاپیچ خیابانها، فضاهای بسته و بدون ناظر و همسایه، فضاهای بایر و پرت افتاده ... فضاهایی ذاتاً مناسب را برای افزایش خشونت می‌سازند.

## ۱۲- دلایل و انگیزه‌های خشونت شهری

۱- فقر و شرایط نامساعد مادی زندگی، بیکاری، نبود امکانات لازم برای پر کردن اوقات فراغت؛ ۲- کمبود آموزش و نقصان در فرآیندهای اجتماعی کردن، کمبود چارچوب‌های مراقبت و رسیدگی خانوادگی؛ ۳- سوءاستفاده‌های فیزیکی؛ ۴- انباشت‌های جمعیتی، کمبود فضاهای زیستی، همجواری‌های نامطلوب و درهم ریختگی بافتها و ارزشهای اجتماعی؛ ۵- تعارض‌های طبقاتی، قومی، جنسی، سنی و فرهنگی...؛ ۶- کمبود یا نقصان فرایندهای شکل‌گیری هویت و تعلق اجتماعی؛ ۷- عارضه و بیماریهای روانی و جسمانی، اعتیاد به مواد مخدر و الکل؛ ۸- طراحی ناصحیح شهری، مسکن‌های نامناسب، افسردگی ناشی از زیست در محیط‌های خشک و سرد، شهرکهای خوابگاهی، کمبود فضاهای درونی، آلودگی‌های صوتی و زیست‌بومی که سلامت جسمانی و روانی افراد را تهدید می‌کند؛ ۹- اضطرابهای ناشی از شرایط سخت کار و ناپایداری عدم امنیت شغلی، شکنندگی شرایط زندگی؛ ۱۰- سوء استفاده از قدرت در نهادهای رسمی و در نتیجه بی‌اعتمادی به نهادهای قانونی، دادگاهها و پلیس.



با توجه به نکات فوق مشخص است که راه‌های مبارزه با پدیده خشونت در شهرها چندگانه هستند و باید از خلال رویکردهای بهداشتی، آموزشی، اقتصادی، قانونی، زیست‌بومی، طراحی شهری، فرهنگی و غیره انجام بگیرند و بی‌شک تلقی آنکه خشونت شهری صرفاً نوعی عارضه انحرافی گذرا در زندگی شهری است و می‌توان آن را به ضرب سرکوب و اقدامات پلیسی از میان برداشت، بدترین نوع تلقی و غیرکاراثرین نوع آن است.

### ۱۳- وضعیت خشونت در ایران

موسسه مطالعاتی «گالوپ» در آخرین گزارش خود در سال ۲۰۱۷ (۱۳۹۶ش) ایران را عصبانی‌ترین کشور جهان معرفی کرد و این کشور را در رتبه اول خشونت اجتماعی در دنیا قرار داد. طبق داده آماری این موسسه، از میان ۱۴۲ کشور مطالعه شده جهان در سال ۲۰۱۷ به ترتیب ایران، عراق و سودان جنوبی عصبانی‌ترین مردم جهان را دارند. پیشتر پراکندگی آمار خشونت در استان‌های کردستان، آذربایجان، لرستان، ایلام، کرمانشاه و خوزستان بیشترین و در استان‌های اصفهان، کرمان، یزد و قم کمترین گزارش می‌شد اما اکنون خشونت‌ها در ایران سراسری شده و نمی‌توان حد و مرز مشخصی از نظر موقعیت جغرافیایی برای آن متصور بود. روزنامه ایران در گزارشی نوشت: از زمانی که مسأله کرونا پیش آمده پرخاشگری‌های درون خانواده گسترش پیدا کرده بویژه آنهایی که شغلشان را از دست دادند یا ناچارند در خانه بمانند و این خشمشان متوجه همسر و فرزندانشان می‌شود.

در دوران شیوع و قرنطینه کرونا بیش از ۷۷ درصد زنان ایرانی حداقل یکی از انواع خشونت را در دوران قرنطینه تجربه کرده بودند. به گفته خانم شاوردی "خشونت فیزیکی، مالی و کلامی" سه خشونت عمده علیه زنان است و در این میان "میزان درآمد مردان نیز با میزان خشونت آنها علیه زنان مرتبط است".

مطابق با آمار منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران، طی چهار سال اخیر همواره بالغ بر ۹۴ درصد معاینات مربوط به مدعیان «همسرآزاری جسمی» پزشکی قانونی معطوف به زنان بوده و از سوی دیگر در رابطه با مدعیان همسرآزاری روانی نیز این آمار در همین بازه زمانی یعنی طی چهار سال

اخیر، بین ۵۵ تا ۹۰ درصد برای زنان در نوسان بوده و حتی در مقاطعی نظیر سال گذشته به ۹۴ درصد نیز رسیده است .

اگرچه به گفته کارشناسان، مواجه شدن با انگ اجتماعی و سایر تحقیرهای مربوط به مردانگی می‌تواند از جمله دلایلی باشد که مردان علیرغم تجربه خشونت خانگی در برابر آن سکوت کرده و آن را به جایی گزارش ندهند

موارد معاینات مربوط به مدعیان همسرآزاری						دوره
روانی			جسمی			
زن	مرد	جمع	زن	مرد	جمع	
۴۰	۵	۴۵	۷۷۰۵۹	۴۶۷۰	۸۱۷۲۹	سال ۱۳۹۶
۲۵	۱۹	۴۴	۷۹۴۸۴	۴۱۶۲	۸۳۶۴۶	سال ۱۳۹۷
۱۰۳	۴۹	۱۵۲	۸۱۶۲۴	۳۷۲۳	۸۵۳۵۷	سال ۱۳۹۸
۱۷۲	۱۰	۱۸۲	۷۷۱۹۶	۲۹۹۱	۸۰۱۸۷	سال ۱۳۹۹
۲۱	۲۰	۴۱	۲۱۵۲۰	۱۰۹۵	۲۲۶۱۵	بهار ۱۳۹۸
۲۶	۱۳	۳۹	۲۳۹۹۹	۱۰۴۰	۲۵۰۳۹	تابستان ۱۳۹۸
۲۱	۱۰	۳۱	۱۸۷۷۷	۷۷۳	۱۹۵۵۰	پاییز ۱۳۹۸
۳۵	۶	۴۱	۱۷۳۲۸	۸۲۵	۱۸۱۵۳	زمستان ۱۳۹۸
۲۹	۱	۳۰	۱۸۶۱۸	۶۷۷	۱۹۲۹۵	بهار ۱۳۹۹
۴۸	۰	۴۸	۲۳۱۱۸	۸۹۵	۲۴۰۱۳	تابستان ۱۳۹۹
۴۹	۴	۵۳	۱۷۶۸۰	۷۲۴	۱۸۵۰۴	پاییز ۱۳۹۸
۴۶	۵	۵۱	۱۷۶۸۰	۶۹۵	۱۸۳۷۵	زمستان ۱۳۹۹
۴۳	۱۴	۵۶	۲۰۰۳۶	۶۹۹	۲۰۷۳۵	بهار ۱۴۰۰

مآخذ: سازمان پزشکی قانونی

به گزارش همشهری آنلاین به نقل از خبرآنلاین، طبق گزارش سازمان پزشکی قانونی کشور، در دو ماه نخست امسال از کل مراجعان نزاع به مراکز پزشکی قانونی ۶۱ هزار و ۴۷۰ نفر مرد و ۲۶ هزار و ۸۲۳ نفر زن بودند. بر اساس این گزارش، استان‌های تهران با ۱۳ هزار و ۳۴۵، خراسان رضوی با ۷ هزار و ۴۲۳ و آذربایجان شرقی با ۶ هزار و ۲۸۲ نفر بیشترین و استان‌های ایلام با ۴۹۱، بوشهر با ۶۰۶ و هرمزگان با ۶۹۷ نفر کمترین آمار مراجعین نزاع را در مدت یادشده داشته‌اند. بنا بر آمارهای موجود به طور متوسط در هر سال بیش از ۵۰۰ هزار مصدوم نزاع به مراکز پزشکی قانونی کشور

مراجعه می‌کنند. سال گذشته (۱۳۹۸) آمار ارجاعات نزاع به پزشکی قانونی ۵۷۴ هزار و ۹۶۱ نفر بود که در مقایسه با سال قبل از آن، ۹ دهم درصد کاهش داشته است. در سال ۱۳۹۸ به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت کشور، ۶۹۲ نفر برای معاینه نزاع به مراکز پزشکی قانونی مراجعه کردند. محاسبات آماری سازمان پزشکی قانونی کشور نشان می‌دهد که در این سال استان‌های اردبیل با ۹۶۹، آذربایجان شرقی با ۹۰۶، البرز با ۸۸۲ و زنجان با ۸۷۹ مراجعه بیشترین آمار مصدومین نزاع را بر حسب جمعیت (هر ۱۰۰ هزار نفر) داشته‌اند. در همین سال آمار مراجعان نزاع بر حسب جمعیت در استان‌های هرمزگان با ۲۵۶، سیستان و بلوچستان با ۲۸۰ و بوشهر با ۳۰۹ مورد مراجعه کمتر از دیگر استان‌ها بود.

با وجود این، شهر تهران و سایر عواملی که ساخته و پرداخته‌ی آن هستند، دستخوش بیشکلی و نابسامانی هستند. در شهر تهران طبق آمار نیروی انتظامی، بر اساس خشونت‌های ثبت شده در سال ۱۳۹۵، حدود ۱۱۴ نقطه به عنوان فضاهای آلوده و جرم خیز وجود دارند که در این نقاط میزان خشونت‌ها بسیار زیاد و قابل توجه است که بر اساس اسناد موجود، نیروی انتظامی چهار نوع خشونت سرقت، مزاحمت، کیف‌قاپی و نزاع و درگیری را به عنوان بیشترین رفتارهای خشونت‌آمیز ثبت نموده است. فضاهای بی‌دفاع در شهر تهران به علت رشد و گسترش فیزیکی و جمعیتی از یک سو و فرسودگی و تخریب مناطق قدیمی بسیار افزایش یافته است و باعث ایجاد بسیاری از آسیب‌های اجتماعی و گسترش رفتارهای خشونت‌آمیز متعددی گشته است.

#### ۱۴- چهار نظریه درباره رابطه میان احساس امنیت و حضور در فضای شهری

جین جکوبز بیان می‌کند که آرامش فضای شهری ابتدا بوسیله پلیس تامین نمی‌شود ولی با حضور پلیس ضروری می‌شود. آرامش فضای شهری، ابتدا به وسیله شبکه ناخودآگاه و پیچیده اجتماعی و استانداردهای موجود میان مردم حفظ می‌شود. او در مورد خود به انتظامی بودن یک خیابان چنین توضیح می‌دهد: می‌بایست چشم‌هایی همواره خیابان را بنگرند، چشم‌های کسانی که ما آنها را مالکین طبیعی و حقیقی خیابان می‌نامیم و ... پیاده روهای خیابان می‌بایست به صورت مداوم مورد

استفاده قرار گیرد، تا بر نگاه‌های موثر بر خیابان افزوده گردد و به مردم ساکن در خیابان، نگرستن به خیابان آموزش داده شود. بنابراین وی بر نظارت فعال و ضرورت تعریف عرصه‌های عمومی و خصوصی تاکید می‌کند. بدین ترتیب با استفاده از مشارکت عمومی می‌توان از وقوع درام بربریت مانع کرد، ولی این امر نباید مانع عبور غریبه‌ها از فضا گردد. (1965:45, Jacobs) «جاکوبز آوردن مردم به خیابان‌ها را به رقصی تشبیه می‌کند که موجب سرزندگی و پویایی خیابان می‌شود. او می‌گوید: «می‌توان آن را شکلی از هنر نامیده و به رقص تشبیه کرد - نه رقصی پر جنب و جوش اما توخالی و ... بلکه همچون بالهای تکامل یافته، که در آن هر رقصنده و مابقی گروه قسمت‌های مشخصی از اجرا را بر عهده می‌گیرند. اجرای هر قسمت موجب تقویت قسمت دیگر شده و در کل ایجاد یک ترکیب کامل می‌کند به عقیده جاکوبز بیشتر رفتارهایی که موجب خشم، ترس و ناراحتی مردم در فضاهای شهری می‌شود و مردم را از استفاده از فضاهای عمومی منصرف می‌کند، به لحاظ قانونی جرم نیستند و می‌توان آنها را رفتارهای غیر مدنی و یا آن گونه که جاکوبز می‌گوید «بربریت خیابانی» نامید (1965:39, Jacobs) اسکار نیومن (Newman) برخی از عقاید جاکوبز را توسعه داده و بر نظارت فعالانه و تعریف عرصه‌ها تاکید کرده است. بر اساس مطالعه مکان وقوع جرم در طرح‌های مسکونی نیویورک، نیومن در کتاب مردم و طراحی در شهر پر خشونت، نظریه فضای قابل دفاع را مطرح می‌کند و پیشنهاد تغییر ساختار محیط شهری را به گونه ای می‌دهد که جامعه نه توسط پلیس، بلکه توسط افرادی که در عرصه‌هایی خاص سهیم اند تعریف گردد. نیومن سه فاکتور افزایش جرم در محله‌های مسکونی را چنین بر می‌شمرد:

• بیگانگی مردم همسایگان شان را نمی‌شناسند؛ عدم وجود نظارت: مکانهای وقوع جرم، ارتکاب جرم را به راحتی بدون آن که مجرم دیده شود ممکن می‌کند؛ • دسترس بودن راه فرار: امکان ناپدید شدن مجرم از صحنه جرم را به سرعت ممکن می‌کند؛ لذا نیومن معتقد است که با استفاده از سازوکارهای نمادین شکل دادن عرصه‌های تعریف شده، می‌توان یک محیط را تحت کنترل ساکنانش قرار داد. نظریه دیگری که در این جا مورد بررسی قرار می‌گیرد، مربوط به موسسه پیش گیری از جرم به وسیله طراحی محیطی است. این رویکرد که به رویکرد نیومن بسیار نزدیک است. محیط فیزیکی را به گونه ای سازماندهی می‌نماید که وقوع جرم و ترس را به وسیله کاهش حمایت

از رفتارهای مجرمانه کاهش می‌دهد. به عبارتی ایجاد محیط ایمن به وسیله طراحی با عملکرد پلیس هماهنگ می‌شود. در این رویکرد سیستمی سلسله مراتبی از فضاها به هم پیوسته و کوچه‌های بن بست که در واقع راه فرار را بر مجرمان می‌بندد، به کار گرفته می‌شود. به این ترتیب، در عین حال که دسترسی عمومی را ممکن می‌کند، از تمایل غریبه‌ها به حضور در فضا می‌کاهد و به نوعی مانند محدوده‌های بسته عمل می‌کند.

هیلر از رویکرد دفاعی فوق انتقاد می‌کند، به دلیل این که مانع حرکت طبیعی مردم می‌شود و برای غریبه‌ها چه صلح آمیز و چه خصم آمیز محدودیت دسترسی قائل می‌شود. هیلر معتقد است حضور به مردم چه غریبه و چه آشنا به احساس ایمنی را در فضای عمومی ارتقاء داده و وسیله ای است که به کمک آن می‌توان فضا را به صورت طبیعی مورد نظارت قرار داد. لذا وی به دنبال خصوصیات شکلی فضا است که حضور مردم و به تبع آن احساس امنیت را افزایش می‌دهد. (Hiller, 47, 1996)

چهار نظریه مطروح در رابطه با جرم و خشونت در فضای شهری

فعالیت	نظارت	کنترل فضا / حاکمیت	
فعالیت‌های همجوار خیابان می‌بایست رهروان پیوسته ای را فراهم کند، تا بحث نظارت تقویت	نیاز به چشم‌هایی نظاره گر از سوی صاحبان طبیعی، هم ساکتان و هم استفاده کنندگان که می‌توانند با استفاده از تنوع فعالیت‌ها و عملکردهایی که مردم	تمایز کردن آشکار عرصه عمومی و خصوصی	جاکوبز

		<p>را جذب می‌کند تقویت گردد</p>	<p>گردد.</p>
<p>اسکار نیومن</p>	<p>محیط کالبدی می‌بایست دارای خصوصیاتی مانند مکانیزم‌های نمادین، مرزها و سلسله مراتبی تعریف شده عرصه‌های خصوصی تا عمومی باشد تا پهنه‌های مختلف درک و دانسته شود.</p>	<p>ایجاد ظرفیت کالبدی - نظارتی فضا تا فرصت نظارت برای ساکنان و دیگر نهادها ممکن گردد.</p>	<p>مخالف این نظریه است که حضور فعالیت‌های بیشتر و بالاخص حضور فعالیت‌های تجاری میزان جرم و جنایت را کاهش می‌دهد.</p>
<p>موسسه پیشگیری از جرم (CPTED)</p>	<p>کنترل دسترسی‌های طبیعی با هدف کاهش فرصت دسترسی به هدف جنایت؛ استفاده از محصوریت‌های کالبدی که موجب افزایش قوت قلب و حس مالکیت ساکنین می‌گردد.</p>	<p>نظارت طبیعی به عنوان نتیجه معمولی استفاده از مایملک</p>	<p>بر کاهش فعالیت از طریق حرکت و در نتیجه، کاهش سطح فعالیت تاکید دارد.</p>

از طریق یکپارچه سازی فضا و مسیرهای حرکتی تامین می توان فضاهای به هم پیوسته ای را تعریف کرد که ایمن به نظر می رسند.	نظارت از طریق مردمی که در فضا حرکت می کنند تامین می گردد.	فضاهایی که با سایر فضاها یکپارچه شده اند پیاده ها را به حرکت و تماشا در آن فضاها می کنند	بیل هیلر  ماخذ: ( carmona,2003:121 )

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دو نظریه مربوط به نیومن و موسسه پیشگیری از جرم، نقش جرم را در کاهش احساس امنیت مسلم فرض کرده و به جستجوی راهکارهایی در جهت کاهش جرم می باشند، در حالی که جکوبز و هیلر در کنار ارائه راهکارهای کاهش جرم، در جستجوی راهکارهای افزایش احساس امنیت هستند و همچنین گزینه های دیگری همچون خشونت را به عنوان عامل موثر در کاهش امنیت معرفی می کنند.

نتیجه

امنیت در جامعه داری اهمیت است و نبود آن هم زمینه توسعه جامعه را کاهش می دهد و هم زمینه تشکیل انواع دولت های نظامی و خودکامه را فراهم می کند. مردم خواهان امنیت هستند و آن را به هر طریقی که باشد، ولو زیر حمایت دولت خارجی و یا دیکتاتور، به دست خواهند آورد. اینکه چرا برخی موارد امنیت در جوامع دچار تحول می شود را تئوری سلسله مراتب نیازهای مازلو می تواند بازگو کند. مازلو نیاز به امنیت را جزء نیازهای اولیه بشر می داند و معتقد است: بدون آن فرد و یا جوامع نمی توانند به بقا و حیات خود ادامه دهند. مازلو در سلسله مراتب نیازهای خود، دومین دسته نیازهای بشری را نیاز به امنیت ذکر می کند. وی معتقد است: وقتی اولین دسته نیازها یعنی نیاز به غذا، خوراک و مسکن برطرف گردد، نیاز به امنیت برای افراد اولویت یافته و مردم مشتاق و خواهان آن می گردند. در صورتی که اولین دسته نیازها برطرف نگردد و یا ارضا نشود، مردم برای برطرف کردن نیاز اولیه خود، هر گونه فعالیت و اقدامی را مجاز و لازم می شمارند، ولو اینکه این اقدام تعرض و دخالت در حوزه و حریم دیگری باشد.

به تعبیری مسئله امنیت در پیدایش شهرها به عنوان یکی از مهم ترین ضروریات مطرح بوده و هست. با گذشت سالیان متمادی از نخستین اجتماع بشری، شهرها با گسترش وسیع و فزاینده خود به جهت جغرافیایی و جمعیتی تحولات گسترده ای را شاهد بودند و درگیر انواع مسائل مختلف در چارچوب زندگی شهری و شهروندان شدند. در این میان بحث امنیت به عنوان یکی از مهم ترین مسائل شهری در سیاست گذاری ها و برنامه ریزی ها مدنظر قرار گرفت. امروزه امنیت از شاخصه های کیفی زندگی در شهرها است و آسیب های اجتماعی از مهم ترین پیامدهای مختلف امنیت به شمار می روند. در تلقی های سنتی، وجود امنیت برابر با فقدان تهدید نظامی بوده، اما امروزه با ورود به دوره مدرن و پسامدرن، تلقی سنتی از مقوله امنیت دچار تحولات اساسی گردیده است. امنیت، امروزه ابعادی همچون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و ... به خود گرفته و از مفاهیم سنتی تا حد زیادی فاصله گرفته است. امنیت، انتظار نخست انسان ها از حکومت هاست که امروزه ابعاد گسترده و متنوعی یافته است. تأثیرپذیری امنیت از اقتصاد، فرهنگ، صنعت و جمعیت و تأثیرگذاری آن بر همه شاخص های توسعه و حیات انسانی، به آن نقش بنیادین داده است.



شکل گیری رفتارهای خشونت آمیز در سطح شهرها به نظر با طی مراحل تبدیل از یک موضوع اجتماعی و حقوقی به مسأله و بعد به معضل و در نتیجه گستردگی به آسیب اجتماعی می‌تواند زنگ خطری برای نهادهای متولی برقراری امنیت شهروندان و ارگانهای مرتبط با آن باشد. در این میان همچنین با نگاهی به گسترش شهرنشینی و روند توسعه شهری، می‌توان دریافت که برقراری امنیت در ساختار شهری و برخورداری شهروندان از امنیت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و محیطی اهمیتی فزاینده ای دارد. از آنجا که امنیت، مؤلفه‌های اساسی در توسعه و محیط اجتماعی به شمار می‌رود و باید علاوه بر بررسی عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی، به جستجوی راه‌های مؤثر در شکل گیری مکانهای امن شهری و جلوگیری از شکل گیری و رشد فضاهای نامن یا جرم خیز و بی دفاع شهری به عنوان مسأله اصلی نیز پرداخت .

مطالعه و تعمق در گزارش رفتارهای خشونت آمیز نشان می‌دهد فضاهای بی دفاع در بروز خشونت‌های شدید، بخصوص خشونت‌های پیوسته، یکی از عامل‌های اساسی هستند. تلاش برای ایجاد و احیای فضاهای شهری در شهرهای کشور ما بخصوص در شهر تهران به عنوان یک کلانشهر که مورد هجوم مهاجران و در نتیجه بی برنامگی در توسعه ی موزون شده است، تاکنون چندان رضایت بخش نبوده است. به رغم آنکه تلاش‌های بسیاری صورت گرفته و سعی شده است که نظریات و مدل‌های آزموده شده ی دیگر کشورها در تهران پیاده شوند و پنداشتها صورت عملی به خود بگیرند، اما تجربه ی جهانی نشان می‌دهد علاوه بر اینکه در تهران مکان‌های شهری بهتری نساخته ایم، بلکه مکان‌های شهری ساخته شده را نیز از بین برده ایم. به همین جهت، فضاهای بی هویت و نا آشنای زیادی به وجود آمده که این فضاها به موازات رشد، خود از یک سو میتوانند خشونت را افزایش دهند و از سوی دیگر خشونت و ترس به نوبه ی خود موجب واکنش‌های روان شناختی و رفتاری شهر نشینان، از جمله تمایل به کناره گیری از زندگی شهری، عدم اطمینان به دیگران، دوری جستن از مکان‌های خاص، اخذ تدابیر حفاظتی، تغییر فعالیت‌های روزمره و عدم مشارکت در اعمال جمعی می‌شوند که این امر نیز به نوبه ی خود فضاها را نامن تر می‌سازد. این در حالی است که در جهان معاصر انسان مدنی برای زندگی در جمع و دستیابی به مراتب تعالی نیازمند امنیت و آرامش است. امنیت و نبود خشونت در زندگی نوین، چنان اهمیتی یافته است که به عنوان

یکی از شاخص‌های اصلی توسعه مطرح است. در دنیای کنونی به لحاظ گسترش شهرنشینی و افزایش تعاملات شهروندان با هم و همچنین از نظر طراحی شهری و معماری امنیت در شهرها، اهمیت خاصی پیدا کرده است. شهر به عنوان نماد زندگی جمعی و شکل غالب در دنیای کنونی، نیازمند نگاه ویژه به مقوله امنیت است، چرا که فضاهای بی دفاع شهری حامل معانی و نمادهای خاص خود هستند و از این طریق می‌توانند تأثیر عمیقی بر میزان وقوع خشونت و جرائم داشته باشند و تجربه امنیت شهری از مجموعه‌ی برخوردها و روابط رو در روی مردم با محیط پیرامونی، با تجربه‌ی تاریخی آنها در ارتباط با فضاهای شهری شکل می‌گیرد.

## منابع

- افتخاری، علی اصغر. (۱۳۸۱) *مجموعه مقالات همایش رسانه ای ثبات سیاسی*. تهران: پژوهشکده راهبردی مطالعات سیاسی.
- بوزان، باری (۱۳۷۸) *مردم، دولت‌ها و هراس*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بحرینی، حسین. (۱۳۷۹). *معنی و سازگاری در طراحی شهری*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- پرفیت، آلن و همکاران. (۱۳۷۸) *پاسخ‌هایی به خشونت، گزارش کمیته مامور در امر خشونت و بزهکاری*. ترجمه مرتضی محسنی، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.
- رابینگتن، ارل و مارتین واینبرگ. (۱۳۸۶) *رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی*. ترجمه رحمت‌الله صدیق سروستانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۳)، *انسان‌شناسی شهری*. تهران: نشر نی.
- قلیچ، مرتضی، عماری، حسن. (۱۳۹۲) *درآمدی بر فضای بی دفاع شهری*. چاپ اول. تهران: نشر تیسرا.
- گلپیزال، ژان. (۱۳۸۶). «امنیت، پلیس و جرم»، ترجمه علی اوسط جاویدزاده، *مجله امنیت*، س ۱، ش ۳.
- معین، محمد. (۱۳۶۳). *فرهنگ فارسی*. تهران: انتشارات امیرکبیر،

میرزمانی، محمود، (۱۳۸۲) «امنیت و سلامت»، *مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی*، ج ۱، تهران: معاونت اجتماعی ناجا.

نوربها، رضا. (۱۳۸۴)، *زمینه حقوق جزای عمومی*. تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.

Wyn Jones, Richard.(1999) *Security, Strategy, and Critical Theory*.  
London: Lynne.

